



وزارت اطلاعات و ارتباطات
جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه مرکزی

به نام خدا



مجتمع علوم انسانی
دانشکده زبان ادبیات
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد
زبان و ادبیات فارسی

زن در نظرگاه عارفان

استاد راهنما

دکتر یدالله جلالی پندری

استاد مشاور

دکتر مهدی ملک ثابت

۱۳۸۶ / ۱۷ / ۲۸

کتابخانه مرکزی
دانشگاه اصفهان

پژوهش و نگارش

مهتری زینی

تابستان ۱۳۸۵

۲۰۱۷۱

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

پیشگفتار

فصل اول - مبادی تحقیق

- الف- تعریف موضوع..... ۱
- ب- فرضیه یا سؤالات پژوهشی..... ۲
- ج- پیشینه تحقیق..... ۲
- د- روش تحقیق..... ۳
- ه- اهداف تحقیق..... ۴
- و- اهمیت و ضرورت تحقیق..... ۴
- ز- کاربرد نتایج تحقیق..... ۴

فصل دوم - تصوف و مبانی سلوک عارفان

- ۱-۲- عرفان..... ۸
- ۲-۲- خاستگاه روانی و اجتماعی عرفان..... ۱۰
- ۲-۳- منشأ عرفان..... ۱۲
- ۲-۴- خاستگاه اجتماعی عرفان اسلامی..... ۱۲
- ۲-۵- عرفان مسیحی..... ۱۷

۱۹.....	۲-۶- عرفان بودایی.....
۲۱.....	۲-۷- شریعت- طریقت و حقیقت در تصوف.....
۲۸.....	۲-۸- عرفان عابدانه و عرفان عاشقانه.....
۳۵.....	نتیجه فصل دوم.....

فصل سوم - عرفان عابدانه و زن

۳۹.....	۳-۱- عرفان عابدانه و زهد.....
۳۹.....	الف- زهد در قرآن.....
۴۳.....	ب- سیره حضرت رسول (ص).....
۴۶.....	ج- زهد در نهج البلاغه.....
۴۸.....	د- شرایط اجتماعی و زهد.....
۴۹.....	۳-۲- زهد در صدر اسلام.....
۵۲.....	۳-۳- زهد و خوف.....
۵۶.....	۳-۴- زهد در عارفان نخستین.....
۶۱.....	۳-۵- سیر زهد به سوی تصوف.....
۶۴.....	۳-۶- زهد و مانویت.....
۶۵.....	۳-۷- زهد و آیین بودا.....
۶۶.....	۳-۸- رهبانیت و عرفان مسیحی.....
۶۸.....	۳-۹- اسلام و نفی رهبانیت.....

۳-۱۰- تجرید.....	۷۱
۳-۱۱- تجرید و عیسی مسیح.....	۷۲
۳-۱۲- تجرید و سیره پیامبر(ص).....	۷۴
۳-۱۳- مذمت تجرید.....	۷۷
۳-۱۴- زهد و پرهیز از زن.....	۷۹
۳-۱۴-۱- خداگونگی.....	۸۰
۳-۱۴-۲- زن عامل هیبوط انسان.....	۸۱
۳-۱۴-۳- ترک ماسوی الله.....	۸۳
۳-۱۴-۴- ترس از نفقه.....	۸۶
۳-۱۴-۵- اشتغال حواس و دوری از طاعت.....	۹۰
۳-۱۴-۶- ترک لذت و شهوت.....	۹۵
۳-۱۴-۷- پرهیز از زن و انزوای در خانقاه.....	۹۷
۳-۱۴-۸- تجرد، نهی شریعت و پاسخ عارفان.....	۹۸
۳-۱۴-۹- عدم توانایی جسمانی بعضی از عارفان.....	۱۰۱
۳-۱۴-۱۰- ترک زن در آرزوی وصال جاودانی او.....	۱۰۲
نتیجه فصل سوم.....	۱۰۶

فصل چهارم - عرفان عاشقانه و زن

۴-۱- سنت نکاح در اسلام.....	۱۱۵
۴-۱-۲- نگرش منفی به زن.....	۱۲۱

۱۲۴.....	۴-۱-۳- نکاح از نظر حضرت محمد(ص)
۱۲۸.....	۴-۱-۴- نکاح از روی طاعت.....
۱۳۲.....	۴-۱-۵- نکاح با انگیزه شفاعت فرزند.....
۱۳۴.....	۴-۱-۶- نکاح، والاترین کنش عرفانی و فنای محب در محبوب.....
۱۳۸.....	۴-۲- زن و محبت بشری.....
۱۴۸.....	۴-۲-۱- عارفان و محبوب های سه گانه پیامبر(ص).....
۱۶۴.....	۴-۲-۲- ترجیح یکی از محبوب ها.....
۱۷۰.....	۴-۲-۳- بررسی زیبایی شناسانه حدیث.....
۱۷۴.....	۴-۳- زن از دیدگاه معرفت شناسی عرفانی.....
۱۷۶.....	۴-۳-۱- زن، آزمایش الهی.....
۱۸۱.....	۴-۳-۲- زن نمودگار اخلاص و ایمان مرد.....
۱۹۱.....	۴-۴- زن و جمال الهی.....
۲۱۸.....	۴-۵- زن و عشق مجازی.....
۲۳۵.....	۴-۵-۱- یوسف و زلیخا.....
۲۳۷.....	۴-۵-۲- لیلی و مجنون.....
۲۳۹.....	۴-۵-۳- جمیل و بثینه.....
۲۴۰.....	۴-۵-۴- سلامان و ابسال.....
۲۴۶.....	۴-۶- معشوق مذکر.....
۲۶۲.....	۴-۷- زن و لذت.....
۲۷۳.....	۴-۷-۱- نکاح معنوی.....
۲۷۷.....	نتیجه فصل چهارم.....

فصل پنجم - عارفان و زنان عارف

۲۸۳.....	۵-۱-۱- شریعت و مقام عرفانی زنان.....
۲۸۶.....	۵-۱-۲- زنان عارف و رهبری معنوی.....
۲۹۰.....	۵-۱-۳- زنان عارف و ولیه.....
۲۹۵.....	۵-۱-۴- زنان عارف و سیر و سلوک.....
۳۰۵.....	۵-۱-۵- زنان عارف و خرقه پوشی.....
۳۰۶.....	۵-۱-۶- زنان عارف و سماع.....
۳۰۹.....	۵-۱-۷- زنان عارف و بیعت.....
۳۱۱.....	۵-۱-۸- ایمان اشراقی زنان عارف.....
۳۱۴.....	۵-۲- تاملی در دیدگاه عارفان نسبت به زنان عارف.....
۳۱۶.....	۵-۲-۱- رفتار، گفتار و اقوال زنان عارف و اعجاب مردان عارفان.....
۳۲۳.....	۵-۲-۲- زنان حکمت گو و آگاه به سر مکتوم.....
۳۲۷.....	۵-۳- برخورد مردان عارف با زنان خطاکار.....
۳۳۶.....	۵-۳-۱- زنان عارف در نظرگاه مردان عارف.....
۳۴۰.....	۵-۳-۲- اشتیاق و کشش های عارفان نسبت به زنان عارف.....
۳۴۴.....	۵-۴- مقایسه رفتار و اقوال زنان عارف و مردان عارف.....
۳۴۵.....	۵-۴-۱- شطح و کرامت در بین زنان عارف و مردان عارف.....
۳۶۹.....	نتیجه فصل پنجم.....

فصل ششم - زنان خویشاوند

۳۷۵.....	۶-۱- زن به عنوان مادر.....
۳۷۶.....	۶-۱-۱- مادر مظهر رحمت خداوند.....
۳۷۹.....	۶-۱-۲- مادر زیباترین تمثیل.....
۳۸۴.....	۶-۱-۳- بزرگداشت مقام مادر.....
۳۹۴.....	۶-۱-۴- تاثیر مادر.....
۳۹۹.....	۶-۲- عارفان و همسران آنها.....
۴۰۲.....	۶-۲-۱- رفتار با همسر.....
۴۱۴.....	۶-۲-۲- مردان عارف و همسران عارفه.....
۴۱۹.....	۶-۳- عارفان و خواهران آنها.....
۴۲۳.....	۶-۴- عارفان و دختران آنها.....
۴۲۵.....	۶-۴-۱- دختران عارفان و پارسایی آنان.....
۴۳۴.....	۶-۵- عارفان و کنیزکان.....
۴۳۷.....	۶-۵-۱- کنیزکان و رفتار عارفانه.....
۴۴۰.....	۶-۶- عارفان و دایه ها.....
۴۴۲.....	نتیجه فصل ششم.....

فصل هفتم - فرجام سخن

۴۴۵.....	نتیجه بحث.....
۴۵۷.....	پیوست ۱.....
۴۶۹.....	فهرست منابع و مآخذ.....

چکیده

عرفان نگاهی برخاسته از ذوق و ایمان به مذهب است. نگاه ذوقی عارفان، عرفان اسلامی را به دو بخش تصوف عابدانه (مبتنی بر خوف و زهد). و عرفان عاشقانه (مبتنی بر عشق به خدا و رابطهٔ محب و محبوبی) تقسیم می کند.

نگرش عارفان به زنان نیز برگرفته از این دو دیدگاه است. زن در تصوف عابدانه مظهر و مصداق نفس اماره است و گریز و پرهیز از او راهی است به سوی بهشت. بنابراین عارفان با نگاهی منفی و به عنوان دستیار شیطان و عامل هبوط آدم از بهشت به او می نگرند و به دلایل گوناگون از او کناره می جویند.

در عرفان عاشقانه، زن عامل عروج معنوی مرد و مظهر اتم و اکمل شهود حق قرار می گیرد و تفکر خوارداشت او- در سایهٔ تلطیف روحی عارفان و تغییر نگرش آنان از خشیت خداوند به محبت، جبران می گردد و زن به عنوان معشوق مجازی و پل ارتباط با عشق حقیقی از ارجمندی و کرامتی والا برخوردار است.

به گواهی تاریخ، زنان گاهی در سیر و سلوک عارفانه قرار می گیرند و از این زاویه نیز در نظرگاه عارفان از احترامی عمیق برخوردار می شوند. به گونه ای که عارفان از آنان با عناوین « تاج الرجال»، « بهتر از صد مرد» « تهمتن» و... یاد می کنند.

عارفان به زنان خویشاوند با دیدهٔ احترام می نگرند. خویشاوندان عارفان اعم از مادر، خواهر، دختر، همسر، دایه و کنیزک تحت تأثیر آموزه های عرفانی عارفان قرار دارند. از بین زنان خویشاوند، بالاترین مقام را مادران با انگیزه های دورانیشی، خردمندی، دین باوری و شفقت به خود اختصاص می دهند. محبوبهای عارفان نیز به عنوان عروهٔ الوثقای برای عروج به عالم معنا از کرامتی خاص برخوردارند و از آن میان، نگاههای منفی بیشتر متوجه همسران است.

آنچه در این رساله مورد بررسی قرار گرفته است نظرگاه عارفان نسبت به زنان در سه محور خویشاوند، سالک طریقت و معشوق مجازی است. نیز بررسی تغییر نگرش عارفان از منفی ترین نگاهها به زن تا مثبت ترین نظر و تفکر نسبت به اوست که براساس نظرگاههای عارفان نخستین که در تذکره ها و تراجم احوال آنان آمده، نیز کتابهای مستقلی که درباره زندگی و سیره هر یک از عارفان به رشته تحریر در آمده است، صورت پذیرفته، البته در بعضی از موارد به منظور تبیین نظرگاه خاصی، به صورت موردی به اقوال و احوال عارفان تا قرن هشتم و نهم نیز پرداخته شده است.

پیشگفتار

ای در دل مشتاقان از یاد تو بستان‌ها

وز حجت بی‌چونی بر صنع تو برهان‌ها

آنجا که جانها به دنبال روشنی اند و روانها در اندیشهٔ زیبایی، نگاه عرفانی زیباترین، عمیق‌ترین و هموارترین راه را به سوی این روشنی و زیبایی می‌گشاید، نیز هر جا که سخن از مهرورزی، وفاداری، سلامت بخشی و اطمینان‌افزایی است تصویر موجودی لطیف با اندیشه‌ای پاک که همسر و همراه است، در ذهن نقش می‌بندد، تلفیق عرفان و احساس زیبنده‌ترین و دلنشین‌ترین نغمهٔ هستی را می‌سراید و نگارنده را که در اعماق ذهن خود به دنبال رازناک‌ترین معمای هستی، یعنی دانایی و زیبایی است، به کندو کاو پیرامون ماندگارترین نغمه زندگی می‌کشاند: عرفان و زن.

و این چنین است که پرداختن به موضوع عرفان و زن در فضایی محدودتر با عنوان «زن در نظرگاه عارفان» حصار می‌شود. چه گستردگی بحث و فحص پیرامون عرفان، نیز زن و نظرگاه تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، روانشناختی و جنسیتی وی آنچنان است که در قالب یک رساله نمی‌گنجد اما زن در نگاه عارفان حلقهٔ محدودتری دارد که شاید با اندکی ایجاز از محدودهٔ فصل‌های یک پایان‌نامه فراتر نرود.

نگارنده با چنین اندیشه‌ای موضوع «زن در نظرگاه عارفان» را با استاد راهنمای خود- دکتر جلالی پندری- در میان گذاشت. نگاه تیزبین و از آن مهمتر پایان‌بین استاد در اولین راهنمایی ذهن و اندیشهٔ دانشجو را به سوی گستردگی موضوع معطوف داشت و با این شرط که برای این بررسی محدودهٔ زمانی مشخصی در نظر گرفته شود با موضوع موافقت گردید.

هدف آغازین بررسی این نظرگاه در کتابهایی چون تذکرة الاولیاء، نفحات الانس، طبقات الصوفیه و سیرت ابن خفیف شیرازی بود. اما از آنجا که زن در سه محور: زن به عنوان خویشاوند، معشوق مجازی و سالک طریقت باید مورد بررسی قرار می گرفت، در منابع اولیه کمتر نشانی از معشوق مجازی و سالک طریقت وجود داشت، چرا که عشق و ثمره آن: «زیبایی» از قرن پنجم به بعد است که راهی به سوی ادبیات عرفانی می گشاید. از سوی دیگر مرور منابع اولیه، عطش نگارنده را برای آشنایی بیشتر با دنیای متفاوت عارفان افزونتر می ساخت. و اینگونه بود که راهی که در آغاز برای انجامی زودرس آغاز شده بود، اندک اندک از مرز پرداختن به یک تکلیف تحصیلی فراتر رفت و عشق و عطشی وصف ناشدنی را در نگارنده برانگیخت تا با انگیزه دانستن و بیشتر دانستن و راهیابی به دنیای رمزآلود، ناشناخته، پرتلاؤ و رنگارنگ عارفان- که زن تنها گوشه ای ناچیز از این دنیا را به خود اختصاص می داد- منابع فراوان تر و گسترده تری را از نظر بگذراند و اینگونه بود که از تابستان سال ۸۳ با پایان یافتن دومین نیمسال تحصیلی کار جستجوی منابع، مطالعه و استخراج شواهد این رساله آغاز گردید و تا آبان ماه ۸۴ ادامه یافت.

در طول مدت مطالعه منابع و آشنایی با نظرگاههای متفاوت عارفان و شناخت لایه های اندیشه آنان، فراز و فرودهایی در ذهن نگارنده ایجاد می شد به گونه ای که آن هنگام که با عبارتهایی توهین آمیز و غیرمنصفانه، زن مورد هجوم قرار می گرفت، اندیشه نقد فمینیستی آثار عارفان، ذهن را به خود مشغول می کرد، پس انگیزه مطالعه کتابهایی همچون «زنان بدون مردان»، «جنس دوم» و... نیز ایجاد می شد و فیشهایی جمع آوری می گردید، یا آن زمان که نگارنده به دنبال یافتن اولین نشانه های تاریخی و آغازین اندیشه زن ستیزانه بود مطالعه سیر تاریخی تفکر خوارداشت زن و ریشه یابی تاریخی، اجتماعی، روانی آن را ناگزیر می دید، بنابراین کتابهایی چون «زن در آیینة تاریخ»، «زن در شرق باستان» و ... مورد مطالعه و فیش برداری قرار می گرفت. حال آنکه گستردگی موضوع و کمبود وقت، نیز اندیشه درونی نگارنده که بر محور همراهی همراهان زندگی (زنان و مردان) قرار داشت، وی را از پرداختن به چنین نقدی باز داشت.

بزرگترین حسن مطالعه منابع متعدد، لطافت اندیشه و تعدیل آن بود به گونه ای که باعث گردید به همان اندازه که نگارنده از نگاه و قضاوت یکسویه و مردانه نسبت به زنان آزرده خاطر می شد به همان اندازه از تعصب و جانبداری و نگرستن از پشت عینک جانبدارانه به اندیشه های عارفان، دور شود. علاوه بر آن بلندنظری، سعه صدر، منطق عمیق استادان راهنما و مشاور و توضیح این نکته که کار پژوهشگر باید به دور از هرگونه یکسو نگری و جانبداری باشد در تعدیل اندیشه نگارنده و هدایت آن به سوی نگرش علمی بسیار کارساز و راهگشا بود.

از سوی دیگر دسترسی به منابعی ناب و دست نخورده همچون کتاب «هزار حکایت صوفیان» و «خیرالمجالس» و... این انگیزه را ایجاد می کرد تا با استقصاء تام هیچ نکته ای از نظرگاه های عارفان در مورد زن از نظر دور نمانده باشد.

از اینرو از میان صدها فیش، تنها آن دسته از فیش هایی انتخاب شد که مستقیماً با موضوع ارتباط داشت و از سوی دیگر از بار معنایی عمیق تر و رساتری نسبت به مطالب فیش های مشابه و موازی برخوردار بود.

از آبان ماه ۸۴ که کار تفکیک فیش ها آغاز گردید. با توجه به عنوان بندی طرح رساله بعضی از زیرفصل ها که در طرح اولیه به صورت کلی بیان گردیده بود، ریزتر شد و زیرفصل های دیگری به آن اضافه گردید. نیز در بعضی از بخش ها ادغام صورت گرفت تا حجم مناسبتری را به خود اختصاص دهد. و بدین ترتیب راه طولانی بررسی نظرگاههای عارفان در مورد زن - به رغم اشتیاق نگارنده برای دیدن و مطالعه کردن آثار فراوان تر - در دی ماه ۸۴ - با شروع نگارش فصل ها پایان یافت و فصل جدیدی آغاز گردید که به انجام این رساله منتهی شد.

در خلال مطالعاتی که نگارنده در متون عرفانی داشت دو نظرگاه متفاوت در عرفان نسبت به زن وجود داشت: نظرگاهی که تکرار نگاه فرودستانه و از سر تحقیر زن بود و زن را مظهر نفس و شهوت و یکی از بدترین وابسته های نفس معرفی می کرد و نگاه دیگری که در نقطه مقابل این

تفکر قرار داشت و زن را نمونه‌ی اعلای تجلی حق می دانست. از آنجا که نگاه عارفان مبتنی بر دین مداری است، به منظور برطرف کردن شائبه تناقضی که در این دو دیدگاه وجود داشت، بر آن شد تا با مطالعه‌ی مضامین و مفاهیم قرآنی، این کتاب حیات بخش را به عنوان «زبان معیار» و ملاک سنجش و میزان انحراف از معیار دیدگاه عارفان، برگزینند.

پس از مطالعه معانی عمیق آیات قرآن به این نکته مهم دست یافت که به رغم واقعیت دلشکن تاریخی و تصویر نه چندان مثبتی که برخی از دین مداران براساس دیدگاههای خاص خود با عنوان قوانین شرعی و حقوقی نسبت به زن ایجاد کرده اند، قرآن همواره حامی و پشتیبان زنان بوده و نقش حمایتگرانه و بالاتر از آن جانبدارانه نسبت به زن دارد. نگارنده امیدوار است در فرصتی مناسب به بررسی و تحلیل چنین آیاتی بپردازد.

یافته مهم دیگر این بود که در هر دو نگاه تصوف عابدانه (خوارداشتن زن) و تصوف عاشقانه (نکوداشت زن) انحراف از این معیار الهی به چشم می خورد. چرا که از دیدگاه قرآنی زن نه دستیار شیطان و عامل هبوط و بدترین ما سوی الله است و نه موجود خیال انگیزی که مظهري درخشان تر از سایر مظاهر الهی باشد، بلکه مخلوقی است با اندیشه و رفتار انسانی- اجتماعی ویژه خود که به همراه سایر پدیده ها مسیری هدفمند را پی می گیرد.

دیدگاه قرآن نسبت به زن، دیدگاهی معتدل، سرشار از اطمینان بخشی و با معرفی نقش ارزنده وی به عنوان آرامش دهنده روح و روان مرد و جامعه است تا در مسیر عبودیت و بندگی تأثیر وجودی خویش را به نمایش بگذارد.

از آنجا که عرفان تجربه درونی هر فرد است و تجربه‌ها در قالب حکایات و تمثیل ها قدرت تأثیرگذاری بیشتری دارند، بررسی آلیگوری (Allegory) یا تمثیل در رساله حاضر از جایگاه خاصی برخوردار است. استفاده از حکایات- صرف نظر از دیدگاههای مطرح شده در آنها در مورد موضوع رساله حاضر- بیانگر خردمندی صاحبان حکایت‌هاست. زیرا ذهن خلاق نویسندگان متون عرفانی

برای بیان تمامی مفاهیمی که در ذهن داشته اند تمثیلی زیبا ارائه کرده است. امید است نگارنده توانسته باشد با تحلیل درست این حکایت ها، منظور ذهن حکایتگر، و همچنین استنباط خود را به درستی بیان کرده باشد.

در پژوهش و نگارش رساله حاضر و راهی سه ساله که طی شد از یاریها، همدلی ها و بزرگواریهای بسیاری از اندیشمندان و دوستان بهره مند بوده ام که لازم می دانم از آنان سپاسگزاری نمایم.

نخست خداوند بزرگ را سپاس می گویم که توفیق این کار هر چند کوچک را به بنده عطا نمود. نیز با درود به روان پاک پدرم که مهرورزی و مردم دوستی را از او آموختم و در جای جای زندگی نشان اخلاص وی را با خود همراه می بینم، تلاشها، فداکاریها و دلسوزیهای مادرم را ارج می نهم. همچنین عرض سپاس ویژه دارم از استاد و مرادم دکتر یدالله جلالی پندری که با نقشی دوگانه هم به عنوان همسر با اینثار، گذشت، بردباری، همدلی و همراهی زمینه ای مساعد را برای نگارش این پایان نامه فراهم کردند و هم به عنوان راهنما از نکته یابی ها، رهنمودها، دلسوزیها و حمایت های بی دریغ ایشان بهره مند بوده ام. جهت دهی اندیشه ها و سمت و سو و روال منطقی فصلها را مدیون نگاه تیزبین و اندیشه نظام مند آن بزرگوار هستم.

در طول این سالها وامدار صبوری و تحمل فرزندان عزیز و دلبندم هستم که اگرچه ناخواسته - ولی به ناحق - فرصتی را که باید برای آنان و رشد و شکوفایی اندیشه و ذهنشان صرف می شد، مصروف این کار گردید.

در انجام رساله حاضر از نظرهای صائب و نکته سنجی های استاد ارجمند جناب آقای دکتر ملک ثابت بی نهایت سپاسگزارم. نیز خود را به خاطر دستیابی به کتاب ارزشمند « خیرالمجالس » ره آورد سفر ایشان به پاکستان رهین منت ایشان می دانم.

نکته سنجی ها و راهنماییهای استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمد غلامرضایی نیز موجب امتنان و سپاس است.

استادان بزرگوار سرکارخانم دکتر قادری، و آقایان دکتر بهارستان، دکتر حمید سپهر، دکتر حاجی زاده میمندی به ترتیب در بخش های عربی، روانشناسی، جامعه شناسی و مباحث مربوط به آن یاریهای بی دریغ داشته اند که از یکایک آنان تشکر می کنم.

همدلی ها و حمایت های تلویحی جناب آقای دکتر سید محمود الهام بخش و در اختیار نهادن کتاب "What is sufisem" مایه امتنان است.

به حکم من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق وظیفه خود می داند از تلاشهای مدیر محترم گروه ادبیات، جناب آقای دکتر حسینی شبانان تشکر نماید.

پیراستگی متن رساله مرهون تلاشهای ارزنده، دقت، حوصله و بزرگواری همکار بسیار عزیزم سرکارخانم لیلی رضایی است.

در طول دوران تحصیل، نیز فعالیتهای اداری از پشتگرمی، حمایت و دلسوزی های دوستان و همکاران بسیار عزیزم خانم ها حمیده مطهری نیا و ستاره صابر برخوردار بوده ام که از آنان نیز سپاسگزارم.

محبت های بیدریغ دوست عزیزم سرکارخانم مریم حسین آبادی و تهیه برخی منابع که در یزد موجود نبود و توسط ایشان تهیه گردید، لطفی است که شیرینی و گوارایی آن پیوسته مذاق جانم را شیرین می دارد، یاری و همدلی دانشجویان گرامی خانم فرزانه غلامرضایی و دیگر دانشجویانی که همواره برایم مشفقانی صبور و دلسوز بودند مایه سپاسگزاری است.

همچنین از همکاری های صمیمانه همکارانم در کتابخانه مرکزی دانشگاه و کتابخانه مجتمع علوم انسانی که بسیاری از منابع را بزرگوارانه در اختیارم نهادند سپاسگزارم.

افزون بر همهٔ اینها از خواهران و برادران عزیزم- همراهان همیشه همدل روزهای تلخ غربت که همچون ستونی استوار در همهٔ مراحل زندگی پناهگاه و پشتیبانم بوده اند و عظیم ترین سرمایه های عاطفی زندگییم به شمار می روند- سپاسگزارم.

نیز نگارنده خود را وامدار همهٔ بزرگانی می داند که پیش از او در این زمینه قلم زده و راهی دشوار را برای نگارنده هموار ساخته اند.

صمیمانه آرزو دارد نتایج حاصل از این پژوهش به عنوان گامی کوچک راهگشای مطالعات گسترده تر و عمیق تر در این زمینه باشد.

و الحمدلله اولاً و آخراً

مهتری زینی

بهار ۱۳۸۵

فصل ۱

مبادی تحقیق

مبادی تحقیق

الف - تعریف موضوع

موضوع تحقیق این رساله، بررسی نظرگاههای عارفان نسبت به زن است. در این پژوهش دیدگاههای عارفان در مورد زن در سه محور زن به عنوان خویشاوند (مادر، خواهر، دختر، همسر)، زن به عنوان معشوق مجازی و سرانجام زن به عنوان سالک طریقت بررسی می شود.

عارفان در راهی که به سوی خدا می پیمودند هر نوع گرایش به دنیا را حجاب راه خود می پنداشتند و آن را باعث دوری از طاعت خداوند تصور می کردند. از سوی دیگر با وجود آنکه همه عارفان، سیره و سنت پیامبر اکرم(ص) را سرمشق سلوک خود می دانستند برخی از آنها در عمل برای زهد ورزیدن به رهبانیتی گرایش پیدا می کردند که پیامبر اکرم(ص)، مسلمانان را از آن برحذر داشته بود. از آنجا که برخی از عارفان در طی طریق وادی معرفت بیشترین گرایش به دنیا را در میل به زن و فرزند می دانستند، نظرگاههای مختلفی درباره این موضوع در گفتارهای آنها دیده می شود: برخی از آنان زن را نماد نفس می دانستند و خود را از آن برحذر می داشتند؛ برخی دیگر گرایش به زن و اختیار تأهل را سفارش شریعت به شمار آورده و به آن گردن می نهادند و عده ای دیگر دلبستگی به زنان را به عنوان جلوه صنع الهی، پلی به سوی عشق حقیقی می دانستند.

در این پایان نامه کوشش می شود خاستگاه اینگونه دیدگاه ها تبیین گردد و سپس براساس احوال و اقوال عارفانی که شرح احوال آنها در تذکره الاولیاء عطار، نفحات الانس و دیگر کتابهای سیره عارفان آمده، نظرگاههای آنان در باره زن به عنوان خویشاوند یا معشوق و نیز به عنوان سالک وادی عرفان دسته بندی، تبیین و تحلیل گردد.

در این رساله اغلب متون منشور عرفانی فارسی تا قرن ششم هجری بررسی گردیده است. از آنجا که در کتابهایی که زندگانی عارفان تا قرن سوم هجری را در بر می‌گرفت- یعنی زمانی که صوفیه هنوز در دوران ابتدایی تصوف و تاثیر شدید عقاید زاهدانه به سر می‌بردند- زن به عنوان معشوق مجازی مطرح نبود، ناگزیر کتابهای دیگری که ردپایی از این موضوع در آنها یافت می‌شد، مورد بررسی و پژوهش قرار گرفت.

هر چند مرور آثار منظوم و منشور یکایک عرفا مستلزم صرف زمان بسیار زیادی بود و از حوصله این رساله خارج، اما خوشبختانه مهمترین آثاری که در بردارنده احوال و اقوال عارفان بود مورد بررسی قرار گرفت.

واژه های کلیدی: زن، عرفان، تصوف، زندگانی عارفان، ادبیات عرفانی.

ب) فرضیه ها یا سوالات پژوهشی

- ۱- به نظر می‌رسد نظرگاههای عارفان درباره زن متأثر از بینش آنها درباره زهد بوده است.
- ۲- به نظر می‌رسد برخی از دیدگاههای عارفان درباره زن با معیارهای شریعت هماهنگ نباشد.
- ۳- ظاهراً میان نظرگاههای عارفان درباره زن به عنوان همسر، معشوق و سالک تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

ج) پیشینه تحقیق

درباره عرفان اسلامی و همچنین زندگانی و سخنان عارفان کتابهای متعددی به رشته تحریر در آمده است. اما نظرگاه عارفان درباره زن، موضوعی است که کمتر بدان پرداخته شده است. پروفسور فریتس مایر در کتاب «ابوسعید ابوالخیر: حقیقت و افسانه» (۱۳۷۸) میان نظرگاه عارفان درباره زن به عنوان همسر و سپس به عنوان سالک راه عرفان تفاوت‌هایی قائل می‌شود. همچنین پروفسور آن ماری شیمل در کتابهای «زن در تصوف و عرفان» (۱۳۷۸) و «ابعاد عرفانی اسلام»